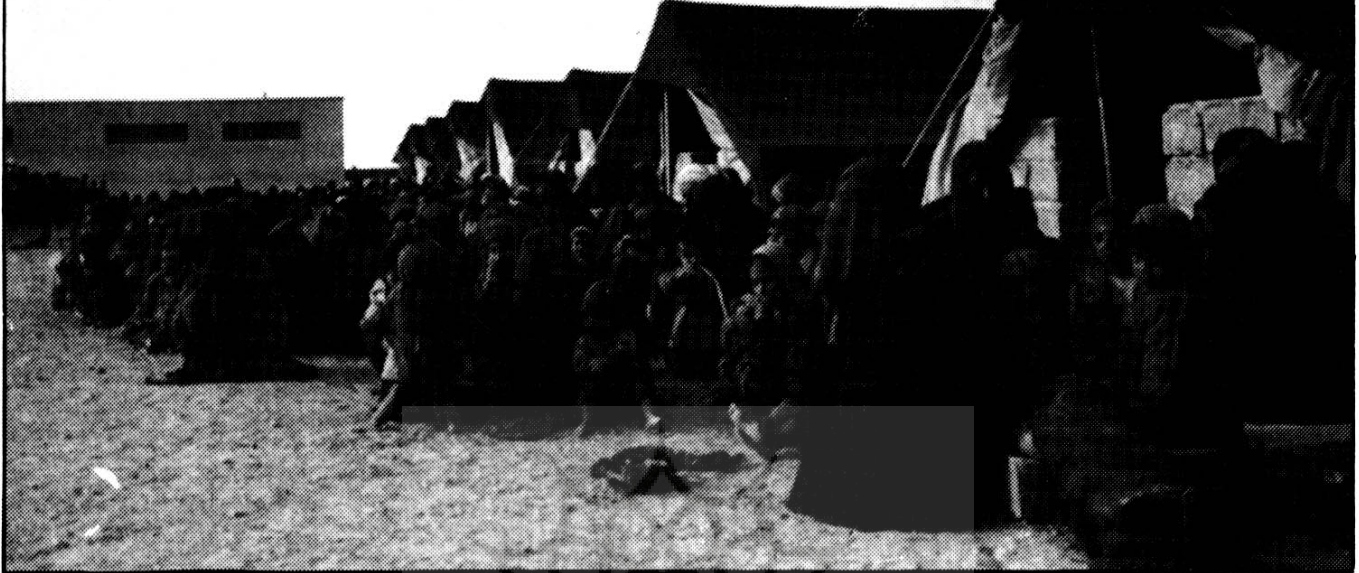


بازگشت آوارگان افغانی

نویسنده: حمید نظری - قسمت دهم



آوارگان افغانی نزدیک به ۴ از جمعیت پناهنده دنیا را تشکیل می دهند و شمار آنها به حدود ۵ میلیون نفر بالغ می گردد نزدیک به دویست هزار نفر در تبعید بوده و حدود دو میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره و بی خانمان شده اند. بدین ترتیب در مقایسه با کل جمعیت این کشور که در اواخر دهه ۱۹۷۰ برحسب آمار رسمی به ۱۵/۵ میلیون می رسید نزدیک به نیمی از این جمعیت آواره شده است. بنظر می رسد که قریب به یک میلیون نفر در جنگ داخلی کشته شده باشند که نتیجه آن دهها هزار زن بیوه و کودک یتیم و مقدار زیادی ناپدید شده میباشد.

برای آنان که در داخل کشور باقیمانده اند زندگی بسیار خطرناک است و با وجود خروج نیروهای شوروی زد و خورد بین مجاهدین و حکومت کابل و بروز قحطی ها و قتل و کشتارها ادامه دارد در نتیجه تعداد زیادی از جمعیت شهری و روستایی از ترس به کوهها پناه برده اند.

از جمله سوال هایی که پس از امضای موافقت نامه چهاردهم آوریل مطرح میشود آن است که به چه ترتیب آوارگان افغانی به میهن خود باز خواهند گشت و امنیت آنها را چگونه می توان تضمین کرد. آوارگان به چه نحو اسکان مجدد خواهند یافت و بالاخره اینکه جامعه افغانستان و اقتصاد آن چگونه بازسازی خواهد شد.

پاسخ دادن به این سوال ها مستلزم نگرش به ریشه قضایا و اوضاع آوارگان افغانی در ایران و پاکستان و بالاخره تحولات جاری در این مسئله است.

ریشه قضایا

روسها از زمانهای دور در افغانستان صاحب نفوذ بوده و از جمله در آموزش و تجهیز نیروهای مسلح این کشور نقش عمده ای داشته اند. حکومت افغانستان از ابتدا پادشاهی بود و از سال ۱۹۳۳ توسط ظاهرشاه اداره می شد. با این وجود تنها در اواخر حکومت وی بود که اقداماتی در جهت مدرنیزه کردن افغانستان و تدوین قانون اساسی جدید و ایجاد قوانین مربوط به فعالیت احزاب و مطبوعات آزاد بعمل آمد.

حزب کمونیست این کشور در سال ۱۹۶۴ تاسیس شده بعداً به دو گروه رقیب خلق و پرچم تقسیم گردید. در اواخر دهه ۱۹۶۰ حرکات سیاسی در میان دانشجویان بویژه در کابل شروع شد. بالاخره در سال ۱۹۷۳ بود که ظاهرشاه در

همانطوریکه در شماره های گذشته اشاره شد بازگشت آوارگان معمولاً پس از حل مسائل سیاسی یک منطقه یا یک کشور صورت می گیرد. امروزه بطور معمول تمایل بر آن است که اینگونه مسایل - که ذاتاً منجر به امواج بزرگ پناهندگی می گردد - از طرق مسالمت آمیز و همکاریهای بین المللی حل شود. زیرا هر حرکت دیگری که ناشی از تفاهم بین المللی نباشد، قهراً موجب امواج جدید پناهندگی خواهد گردید. با این تعبیر شگفت انگیز نیست اگر ترتیبات مربوط به بازگشت آوارگان افغانی به افغانستان نیز یکی از اجزای موافقت نامه های ژنو باشد که در چهاردهم آوریل ۱۹۸۸ بین پاکستان و افغانستان از یک طرف و اتحاد شوروی و ایالات متحده از طرف دیگر بعنوان ضامن به امضاء رسید. اما آنچه که بحران افغانستان و مسائل آوارگان افغانی را از دیگر مسائل بین المللی متمایز ساخته ویژگیهای خاص این تراژدی انسانی است که در جای دیگر کمتر ملاحظه می شود بعضی از بحرانهای بین المللی - برای مثال خشکسالی اتیوپی می تواند به نحوی سریع توجه افکار بین المللی را جلب کرده و عکس العملهای فوری به دنبال داشته باشد. در مورد افغانستان، از آنجا که به تعارضات بین دو طرف درگیر یعنی رژیم این کشور و گروهها و احزاب افغانی در چارچوب روابط دوا بر قدرت نگرسته شده است و در پایان نیز گفتگوهای صلح اوضاع داخلی افغانستان را تحت الشعاع قرار داده، حجم سنگین آلام بشری و از هم پاشیدگی جامعه افغانی تقریباً از نظرها دورنگهداشته شده است.

دلایلی از جمله ضعف ابتدائی رهبران مقاومت افغانستان در نمایاندن ریشه های این مبارزه و شاید در بعضی موارد همدردی بعضی از لیبرال های غربی با ایده های مترقی که از طرف حکومت کابل عنوان میشود، وضع را به صورتی درآورد که حمایت از قربانیان جنگهای داخلی افغانستان و حتی آوارگان را یک حرکت دست راستی جلوه گر ساخت.^۱

حرکتهای عمومی سیاسی جهان نیز در مکتوم ماندن بعضی از گوشه های این مقاومت نقش عمده ای داشت و وضع آوارگان افغانی نیز تا مدتها چندان روشن نبود گذشته از این وضع آوارگانی که به پاکستان روی آوردند تا آنها که به ایران آمدند کاملاً تفاوت داشت. تنها در سال ۱۹۸۳ یعنی چهار سال پس از شروع این تراژدی انسانی بود که کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، آوارگان افغانی در ایران را نیز شناسائی کرده و حاضر به کمک به آنها شد که در این حال نیز این کمکها هیچگاه به سطح کمکهای این کمیساریا به آوارگان افغانی در پاکستان نرسید یا حتی به آن نزدیک هم نشد.

یک کودتای بدون خونریزی برکنار گردید و محمد داود پسر عموی وی و نخست وزیر سابق خود را بعنوان رئیس جمهور معرفی کرد. در ابتدای حکومت داود دو فرقه حزب کمونیست نیز بنحوی در قدرت شریک بودند ولی بتدریج از دستگاه اقتدار داود اخراج و رهبران گروههای سیاسی اسلامی نیز به تبعید فرستاده شدند.

داود نیز در یک کودتای خونین در آوریل ۱۹۷۸ کشته شد و حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) که بعد از یک دوره آشتی موقت بین دو جناح خلق و پرچم بوجود آمده بود، حکومت را بدست گرفت و رهبر جناح خلق نور محمد ترکی رئیس جمهور شد. رژیم کمونیستی جدید که منشاء آن طبقه روشنفکر شهری بودند برنامه های اصلاحی جاه طلبانه ای را اعلام کرد. قوانینی صادر گردید که بموجب آن قروض روستائیان بخشوده شد و زمین به نفع روستائیان فقیر مجدداً تقسیم و میزان مالکیت آن محدود گردید. مبارزه ای عمده علیه بیسوادی شکل گرفت و اصلاح سیستم جهیز به اعلام شد.^(۲) اما وابستگی شدید این رژیم به اتحاد شوروی از یک طرف و بافت سنتی جامعه افغانستان و دشواری پذیرش بعضی از این اصلاحات از طرف دیگر و بالاخره اختناق و سرکوب شدید حاکم و مخالفت دولت با اعتقادات مذهبی جامعه افغانستان موجب بروز مقاومت های مسلحانه ای در گوشه و کنار این کشور گردید. در همین حال در شهرها رهبران سیاسی و روشنفکران مختلف رژیم دستگیر و اعدام می شدند. این امر منجر به پناهنده شدن گروه زیادی گردید و

مجاهدین افغانی از پذیرفتن طرح آشتی ملی نجیب الله خودداری کرده و به مبارزات خود ادامه میدادند.

گرچه می توان تغییرات رهبری در شوروی و نظرات گورباچف را در مورد سیاست خارجی این کشور یکی از پایه های وضعیت فعلی افغانستان و توافقات انجام شده دانست، با این وجود نباید انکار کرد که پایداری جنبش مقاومت افغانستان و هوشیاری این جنبش در هماهنگ ساختن حرکت های سیاسی و مبارزات مسلحانه جهت شناساندن ریشه های مبارزه مردم افغانستان به جهانیان در بوجود آوردن شرایط فعلی نقش اساسی داشته است.

وضعیت آوارگان افغانی در ایران و پاکستان

افغانستان و پاکستان هر دو از جمله دارندگان بزرگترین تمرکزهای قبیله ای دنیا می باشند که بعضی از آنها مثل پاتان ها و بلوچ ها در هر دو کشور سکونت دارند. در نتیجه این قرابت قبیله ای و نزدیکی جغرافیائی، اقراذ قبایل ساکن دو کشور متوالیاً از طریق تنگه های خیبر و بولان از مرز مشترک دو کشور (یعنی خط دوراند) گذشته و به دو سرزمین رفت و آمد می کنند. تا سال ۱۹۷۹ کاروان های تجارتی از شرق افغانستان به پیشاور می آمدند. این حرکات مهاجرتی در فصل زمستان افزایش می یافت و شمار عظیمی از کارگران فصلی جابجا می شدند. اما با کودتای سال ۱۹۷۹ افغانستان سیل آوارگان افغانی به پاکستان سرازیر شد.

استان مرزی شمال غرب (NWFP)، بلوچستان و پنجاب سه استان پاکستان هستند که پناهندگان افغانی را در اردوگاههای اسکان آوارگان می پذیرند. این سه استان آب و هوای کاملاً متفاوتی دارند و در بعضی از آنها تمرکز شهری زیاد و روستاها کم جمعیت است. بدون شک هجوم بیش از سه میلیون آواره افغانی به این استانها نه تنها ترکیب جمعیتی را بهم زده است بلکه فشار اقتصادی ناشی از چنین حضوری یک منبع نگرانی به شمار می آید. زیرا پروژه های درآمدزا که برای خودکفائی آنان در نظر گرفته شد، تاکنون بخش کوچکی از جمعیت پناهنده را در بر گرفته است. کمکهای غذایی و مواد جیره بندی شده بین پناهندگانی که نام آنها به ثبت رسیده تقسیم می گردد و پناهندگان گاه مقرر مختصری نیز دریافت می کنند.^۳ اکثریت پناهندگان در قریب به ۳۲۰ دهکده اردوگاه مانند اسکان داده شده اند و بعضی از آنان مستقلاً در میان پاکستانی ها زندگی می کنند روستاهای آواره نشین جمعیتی بین چند هزار تا چند صد هزار نفرند و دارای تسهیلات بهداشتی، آب و خدمات آموزشی می باشند. آوارگان حق خرید زمین و املاک را ندارند.^۴ گرچه حضور جمعیت آواره آنها در سطح بیش از سه میلیون نفر که بزرگترین جمعیت آواره جهان در یک کشور بشمار می رود آثار و نتایج اقتصادی سنگینی دارد، لکن وجود آوارگان افغانی در پاکستان باعث توجه بیش از حد جامعه بین المللی به این کشور گردیده است. نه تنها سازمان های بین المللی مسئول بلکه کشورهای غربی با کمکهای بلاعوض و هنگفت خود پاکستان را در اجرای وظائف و مسئولیت های بین المللی اش یاری فراوان رسانیده اند. در سالهای اخیر بانک جهانی به کمک کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) پروژه بزرگی برای احیای مراتع، پرورش ماهی و ایجاد راههای ارتباطی و ذخیره آب در پاکستان به اجرا درآورده است.

بسیاری از آوارگان افغانی از همان آغاز ترازوی افغانستان به ایران روی آوردند. این آوارگان بدلیل قرابت های قومی با ایرانیان و همچنین یگانگی مذهبی که با شیعیان ایران داشتند به کشور ما آمدند. هر چند هجوم کارگران فصلی افغانی تا قبل از کودتای افغانستان از جمله حرکت های عادی محسوب میشد و چهره کارگران مهاجر افغانی لاقدر در استانهای شرقی ایران شناخته شده بود اما گستردگی جمعیت آواره، این موج را به سراسر ایران کشاند. قسمت عمده آوارگان در مراکز شهری استانهای شرق کشور حضور داشته و در جمعیت محل مستحیل شده اند و تنها سه درصد از جمعیت آواره در اردوگاههای ویژه اسکان آوارگان زندگی می کنند.^۵ گرچه جمهوری اسلامی ایران تا مدتها با بی مهری سازمان های بین المللی مسئول آوارگان روبرو بود و با این وجود آوارگان افغانی به خدمات رفاهی، اجتماعی، اشتغال، مدارس، تسهیلات بهداشتی و غذاهای جیره بندی شده دسترسی داشته و اغلب آنها از نظر اقتصادی به خود کفائی رسیده اند. کمک جمهوری اسلامی ایران به این آوارگان علیرغم اوضاع اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی چنان بود که کلیه سازمانهای مسئول آوارگان که در سطح بین المللی تجارب فراوان دارند اذعان می کنند که این برخورد بسیار بالاتر از استانداردهای بین المللی می باشد. در حال حاضر نیز کمک سازمانهای بین المللی مسئول آوارگان منجمله کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان و برنامه جهانی غذا

● از آنجا که به درگیری های داخلی افغانستان در چهارچوب روابط دو ابرقدرت نگریسته شده، و سرانجام گفتگوهای صلح اوضاع داخلی آن کشور را تحت الشعاع قرارداده، حجم سنگین الام بشری و ازهم پاشیدگی جامعه افغانی تقریباً از نظرها دورنگهداشته شده است.

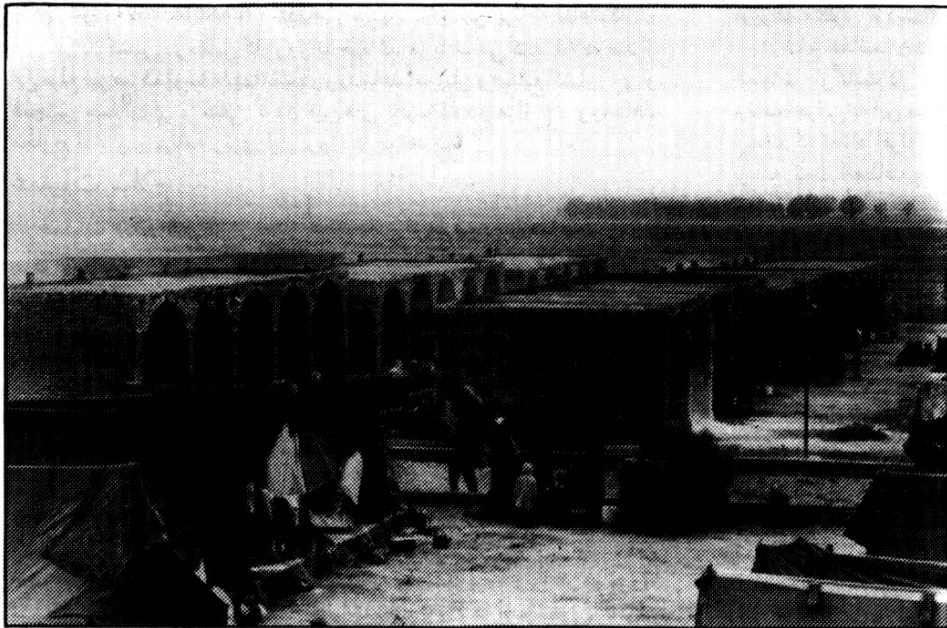
● شرایط سیاسی در افغانستان هنوز به گونه ای نیست که زمینه ساز بازگشت آوارگان در سطح وسیع باشد زیرا برخلاف انتظار، حکومت کابل با خروج نیروهای روسی از پای درنیامده و با ادامه زد و خورد های شدید، استانهای جنوبی افغانستان نتوانسته پناهگاه مناسبی برای نخستین گروه از پناهندگانی که به کشور بازگشته اند باشد.

آنرا می توان سراغاز حرکت عظیم پناهنگی دانست. حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طریق زد و خورد های دسته ای و جناح بندی های داخلی تقسیم شد و در پاییز سال ۱۹۷۹ نور محمد ترکی در یک کودتای خونین به قتل رسید و معاون وی حفیظ الله امین به قدرت رسید. تحت حکومت وی سرکوب شدیدتر شد ولی از مخالفتها کاسته نگردید. شورشها و فرار از ارتش ادامه یافت و در همین حال مقاومت مسلحانه در روستاها توسط مجاهدین فزونی گرفت.

نیروهای روسی در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ ظاهراً تحت یک معاهده دوستانه که در سالهای قبل به امضاء رسیده بود وارد افغانستان شدند. این امر که در حقیقت به یک کودتا بیشتر شبیه بود به قتل حفیظ الله امین منجر و ببرک کارمل رهبر حزب پرچم جانشین وی گردید. روسها تصور می کردند که او بیشتر مورد قبول مردم افغانستان است. ولی ببرک عمدتاً بعنوان نوکر روسها شمرده میشد و راه و روش معتدل وی به نتیجه ای نرسید. از این گذشته فرارهای متوالی از ارتش و اوضاع بد اقتصادی و ازهمه مهتر بالا گرفتن جنگ داخلی باعث دو دستی بیشتر در داخل حکومت گردید و رژیم کارمل حس کرد که برای ادامه حیات باید بیشتر به روسها متکی گردد. در سال ۱۹۸۶ حدود یکصدویست هزار نفر از سربازان روسی در افغانستان بودند و نیروهای مشترک کابل و سربازان روسی کنترل شهرهای اصلی و جاده ها را بعهده داشتند.

در ماه می ۱۹۸۶ نجیب الله که رئیس پلیس مخفی ببرک کارمل بود بجای وی را گرفت. او در دسامبر همان سال به مسکو سفر کرد و با پیشنهاداتی برای خاتمه دادن به جنگ بازگشت. آتش بس به صورت یک جانبه برقرار گردید زیرا

● در حال حاضر حدود ۲/۸ میلیون نفر آواره افغانی که بیشتر آنها را کودکان و زنان تشکیل می دهند در ایران به سر می برند و کمکهای دولت به این افراد، با وجود شرایط سخت اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی، چنان است که همه سازمانهای مسئول امور آوارگان که در سطح بین المللی تجارب فراوان دارند اذعان می کنند که این برخورد بسیار بالاتر از استانداردها می باشد.



ج- بحث و تبادل نظر با کلیه طرفهای درگیر در مواقع لزوم بعنوان سخنگوی سازمان ملل متحد.

د - سازماندهی و هدایت آن قسمت از برنامه که اجرای آن از وظایف هیچکدام از آژانس های تخصصی ملل متحد نمی باشد.

ه- اتخاذ راههای انعطاف پذیر و غیر متمرکز از نظر جغرافیایی برای رفع نیازهای آوارگان براساس برآوردهای واقع بینانه از ظرفیت جذب هر منطقه.

دبیرکل به منظور اطمینان از اجرای برنامه به صورت مطلوب و تجهیز منابع مالی آن، یک صندوق امانی (TRUST FUND) برای کمک فوری به افغانستان تاسیس نموده است که تحت نظر هماهنگ کننده اداره می گردد. هماهنگ کننده همچنین جهت گردآوری منابع مالی و کمک های لازم برای اجرای برنامه موظف است فعالیت های خود و آژانس های مربوطه را به کشورهای کمک کننده گزارش نماید. هماهنگ کننده در اجرای وظایف خود با قریب ۱۶ آژانس تخصصی سیستم ملل متحد ارتباط برقرار نموده در این راستا جلسات بین آژانس های نیز در ماههای می و ژوئیه ۱۹۸۸ برگزار شده است. نظر به تبحر سازمان های بین المللی غیر دولتی (NGO) در عملیاتی نظیر بازگرداندن آوارگان افغانی، تماس هایی با آنها منجمه کمیته بین المللی صلیب سرخ و اتحادیه جمعیت های صلیب سرخ و هلال احمر برقرار گردیده و برای سهولت امر و برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات این سازمانها یک آژانس هماهنگ کننده کمک به افغانستان (ACBAR) ^(۸) که متشکل از ۴۰ سازمان غیردولتی می باشد در پشاور پاکستان به وجود آمده است. ^(۹) در پایان ماه می ۱۹۸۸، صدرالدین آقاخان به همراه مدیر برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و نمایندگان ارشد سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO)، سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، صندوق ملل متحد برای کودکان (UNICEF)، برنامه جهانی غذا (WFP)، سازمان جهانی بهداشت (WHO) و دبیرکل اتحادیه جمعیت های هلال احمر و صلیب سرخ به کابل، اسلام آباد، پشاور و تهران مسافرت و با مسئولین سه کشور و نمایندگان آوارگان و پناهندگان مذاکره کرد.

در ششم ژوئن ۱۹۸۸، هماهنگ کننده خواستار کمک اولیه ۲۵ میلیون دلاری برای اولویت های اضطراری کمک شد و در دهم ماه ژوئن ۱۹۸۸ دبیرکل سازمان ملل متحد با ارائه گزارش هماهنگ کننده به کشورهای عضو سازمان ملل، کمک کشورها به برنامه کمک انساندوستانه و اقتصادی به افغانستان را درخواست نمود. این درخواست کلاً شامل دو مرحله می باشد. مرحله اول مربوط به کمک فوری و توانبخشی است که باید هرچه زودتر با توجه به شرایط سخت پناهندگان و آوارگان آغاز گردد. بمنظور برنامه ریزی این کمک ها، با در نظر گرفتن دوره کشت در روستاها یک چارچوب زمانی هیجده ماهه تعیین گردیده و کل مخارج این مرحله یک میلیارد و یکصد و شانزده میلیون دلار آمریکا برآورد شده است. دومین مرحله شامل یک دوره سه ساله برای بهبود زیربنای کشور می باشد که نیازهای آن تاکنون ۸۳۹/۶ میلیون دلار برآورد شده است. در مورد دوره اول باید تاکید شود که تقریباً یک سوم از کل هزینه ها مربوط به نیازهای آوارگان افغانی بهنگام بازگشت می باشد از قریب ۷۷۹ میلیون دلار باقیمانده برای احتیاجات توانبخشی و کمک در داخل افغانستان استفاده خواهد شد که ۶۵ درصد از آن به بازسازی بخش کشاورزی شامل برنامه غذا

درمقایسه با کمک کلی جمهوری اسلامی ایران به این آوارگان بسیار ناچیز است. در مورد جمعیت آواره افغانی در ایران رقم رسمی دقیقی اعلام نشده است با این وجود انتظار می رود که در حدود ۲/۸ میلیون نفر که غالب آنها را کودکان و زنان تشکیل می دهند در ایران ساکن باشند.

بازگشت آوارگان

موافقت نامه های ژنو اصولاً مبتنی بر چهار اصل است: عدم مداخله، ضمانت بین المللی در مورد عدم مداخله، بازگشت پناهندگان، و مربوط بودن عقب نشینی نیروی شوروی با پایان حمایت پاکستان از مقاومت افغانستان.

این قراردادها علاوه بر عقب نشینی حدود یکصد و ده هزار سرباز روسی از افغانستان در مدت نه ماه، به بازگشت داوطلبانه و غیر اجباری پناهندگان افغانی به کشورشان و همچنین انجام کمک انسان دوستانه و اقتصادی به افغانستان و بازسازی این کشور اشاره دارد. بازگشت حدود هفت میلیون نفر بی خانمان پس از سالها دوری از وطن یکی از بزرگترین عملیات بازگشت آوارگان در جهان محسوب میشود زیرا این افراد قریب ۴۵ درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند در حالیکه ۹ میلیون نفر پناهنده بنگلادشی که در سال ۱۹۷۲ از هند به بنگلادش برگشتند ۱۲٪ از کل جمعیت بنگال شرقی بودند. ^(۶) آنچه که بیش از برنامه بازگشت آوارگان اهمیت دارد، تحمل زیربنای اقتصادی جامعه افغانستان برای پذیرش مجدد چنین جمعیتی می باشد. در دهه ۱۹۷۰ افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای توسعه نیافته جهان بشمار میرفت ولی با وجود زیربنای ضعیف اقتصادی، این کشور از حیث مواد غذایی خودکفا بود و اقتصاد آن در نتیجه صادرات محصولات کشاورزی و گاز طبیعی رو به بهبود گذاشته بود. ۹ سال جنگ داخلی نه تنها به این روند پایان داد بلکه زیربنای اقتصادی و بخش کشاورزی ارزان به مخروبه ای بدل شد. مناطق روستائی افغانستان مملو از مین ها، بمب ها، و گلوله های توپ منفجر نشده است. که طی سالهای آتی خطر مهمی برای سکنه این مناطق و آوارگانی که به کشور باز می گردند محسوب خواهد شد. آموزش پناهندگان و آوارگان داخلی به ویژه کودکان برای شناسایی این مین ها و احتراز از نزدیک شدن به آنها یکی از مهمترین کارها قبل از اسکان آوارگان و آغاز فعالیت های اقتصادی و کشاورزی می باشد. دفتر هماهنگ کننده ملل متحد برای افغانستان (UNOCA) ^(۷) پس از انقضای قراردادهای ژنو، دبیرکل سازمان ملل متحد در یازدهم ماه می ۱۹۸۸ برای هماهنگ کردن کلیه فعالیت های سیستم ملل متحد برای کمک اضطراری و تامین نیازهای بازسازی افغانستان که در قرارداد ملحوظ گردیده بود، صدرالدین آقاخان را به عنوان هماهنگ کننده منصوب نمود. وظایف وی عبارتست از:

الف - هماهنگی مرکزی بین فعالیت های سیستم ملل متحد در این زمینه از طرف دبیرکل.

ب - گزارش عملیات مربوط به اجرای برنامه منسجم درخصوص کمک های اقتصادی و انساندوستانه ملل متحد به افغانستان. قابل ذکر است که اجرای این برنامه از وظایف آژانس های سازمان ملل متحد بوده و هر آژانس در زمینه مورد تخصص خود یک بخش از برنامه را اجرا خواهد کرد.

برای کار (Food for Work) اختصاص می‌یابد. در این برنامه پناهندگان و آوارگان بازگشتی در مقابل کار روزانه خود غذا دریافت می‌کنند. ۳۵ درصد از این مبلغ نیز صرف توسعه بهداشت در روستاها، آموزش و صنایع کشاورزی و همچنین جمع‌آوری و خنثی کردن مین‌های باقیمانده در مزارع و روستاها، مخارج اداری و برنامه ریزی این پروژه‌ها خواهد شد.

عملیات سلام

عملیات سلام عبارت از اعزام هیئت‌هایی از طرف دفتر هماهنگ کننده برای بررسی شرایط عینی در نقاط مختلف افغانستان، بررسی وضعیت تولید کشاورزی، ارتباطات و حمل و نقل و همچنین دامنه تخریب ساختمانهای دولتی و خصوصی می‌باشد. بدیهی است برنامه ریزی‌های بعدی برای اسکان آوارگان براساس گزارشات این هیئت‌ها صورت خواهد پذیرفت. تاکنون سازمان ملل متحد هیئت‌های اکتشافی با چنین مقیاسی به هیچ کشور جنگ زده‌ای اعزام نکرده است. برنامه‌های عملیات سلام به صورت زیر بود:

سلام يك از ایران به غرب افغانستان، سلام ۲ از کابل به بعضی مناطق داخلی

افغانستان و سلام ۳ که طولانی‌ترین مسیر را داشت مناطق شمال شرقی افغانستان منجمه دره پنج شیر و در مرکز افغانستان شهر بومیان و جنوب این کشور را می‌پوشاند. سلام چهار نتوانست به پنج شیر برود زیرا در میانه راه توسط يك گروه مسلح متوقف شد. عملیات سلام ۵ و ۶ که از پیشاور پاکستان انجام شد دره کونار و استان پکتیا را در برگرفت. تمام این مأموریت‌ها در نیمه دوم سال ۱۹۸۸ صورت پذیرفت.

آنچه بیش از هر چیز نظر اعضای این هیئت‌ها را متوجه خود ساخت، خرابی بیش از حد ناشی از جنگ بود. برحسب گزارش سلام ۳ کلیه زیربنای اقتصادی دره پنج شیر نابود شده و از بین رفته است. سلام ۲ گزارش می‌دهد که ۴۰ درصد از شهر هرات تخریب شده است. از کل ۱۳۰۰ روستا در استان هرات ۶۰۰ روستا بطور جدی خسارت دیده یا کلاً نابود گردیده است^(۱۱) «اولیوروی» (Roy) که در هیئت سلام يك نماینده آقاخان بوده می‌گوید «مشاهده هرات همانند آن است که «Verdun» را در سال ۱۹۱۹ دیده باشی. تا بیست کیلومتر چیزی دیده نمی‌شود مگر خرابه!

جاده‌ها و مزارع از علف هرز پوشیده شده است. مردم در گوشه و کنار اجساد کسانی را که زیر آوار مانده اند خارج می‌کنند. لاشه‌های زنگ خورده تانک‌ها در دشت پراکنده است. بمب‌های ۵۰۰ کیلوگرمی منفجر نشده همانند چغندر در زمین باقیمانده است.^(۱۲)

آنچه در گزارش‌ها جلب نظر می‌کند مسئله امنیت است. اگر جنگ نیز تمام شود، کماکان بخش عظیمی از مملکت را میدان‌های مین فرا گرفته است. برداشتن و خنثی کردن این مین‌ها بخصوص در مناطق پرجمعیت از جمله ضروریات است.

نمایندگان سازمان ملل به این نتیجه رسیده‌اند که علیرغم حوادث غم‌انگیز و خسارات عظیم وارده به مملکت ارزش‌های سنتی و ساخت جوامع افغان دست نخورده باقیمانده است. گرچه فقر گسترده‌ای حاکم است ولی سوء تغذیه از آن نوع که در سایر مناطق جنگی دنیا مشاهده می‌شود وجود ندارد. همچنین آنها به این حقیقت دست یافته‌اند که سازمان اقتصادی و اجتماعی جوامع افغان هنوز قوی بوده و این امر امکانات بازسازی و اسکان آوارگان را آسانتر می‌سازد.

وظیفه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)

در موافقتنامه مربوط به بازگشت آوارگان افغانی به کشورشان برای کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان مسئولیتی تعیین گردیده است. کمیساریای عالی همانند سایر موارد بازگشت داوطلبانه باید مطمئن شود که حقوق پناهندگان محفوظ خواهد بود و در عین حال اقلام اساسی و مورد نیاز برای اسکان مجدد آوارگان در افغانستان را فراهم خواهد ساخت. به لحاظ این مسئولیت کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان در مشاوره‌هایی که تحت نظر دفتر هماهنگ کننده صورت می‌گیرد شرکت می‌نماید. در همین راستا يك برنامه عمل مشترک که با همکاری برنامه جهانی غذا طراحی شده است کمک‌های فوری را به آوارگان می‌رساند.

علاوه بر این برحسب موافقت نامه‌ای که بین UNHCR و پاکستان و افغانستان برای کمک به بازگشت آوارگان افغانی به امضاء رسیده است، کمک به بازگشت داوطلبانه آوارگان و نظارت بر آزادی عبور آنان از مرز و دسترسی کمیساریای عالی و نمایندگان آن به آوارگانی که بازگشته‌اند پیش‌بینی شده است. در عین حال امکان کمک به افراد نیازمند در مناطق

مربوطه منظور گردیده است.

اوضاع افغانستان در حال حاضر بنحوی نیست که بخودی خود زمینه ساز عملیات بازگشت در سطح وسیع باشد. هنوز بسیاری از عناصر حیاتی يك برنامه اجرایی به این منظور ناشناخته باقی مانده است. برای مثال هنوز روشن نیست که تعداد افراد داوطلب برای بازگشت چه مقدار خواهد بود. بنابراین برنامه کمک اعطاف پذیری طرح ریزی شده است که بازگشت را به مراحل مختلفی تقسیم می‌کند. شروع این برنامه‌ها با بازگشت پناهندگانی از پاکستان صورت می‌گیرد که داوطلبی خود را برای مراجعت به کشور اعلام کرده‌اند. این پناهندگان مایلند که در هنگام کاشت محصول به وطن خویش بازگردند. برنامه همچنین شامل تدارک غذا برای آوارگان توسط برنامه جهانی غذا (WFP)، تجهیز و تهیه وسایل حمل و نقل برای انتقال پناهندگان ایجاد مراکز اسکان موقت و انتقالی، تهیه سرپناه، وسایل خانگی و اقلام ضروری و وسایل لازم برای از سرگیری کشاورزی در روستاها می‌گردد. لازم است در بخش بهداشت کمک‌های پزشکی توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO) و صندوق ملل متحد برای کودکان (یونیسف) بعمل آید و کودکان در کمپ‌ها و مناطق اسکان واکسینه شوند.

در حال حاضر محاسبه نیازهای مالی براساس برنامه‌های فوق (بغیر از کمک‌های غذایی) برای جمعا دو بیست و پنجاه هزار نفر پناهنده بازگشتی در ظرف مدت شش ماه صورت گرفته است. با این وجود چنین فرض می‌شود که زمان هر چه باشد بالاخره این پناهندگان باز خواهند گشت و تسهیلات زیربنایی باید هر چه زودتر فراهم گردد.

تخمین ابتدائی برای برنامه بازگشت يك میلیون پناهنده بالغ بر ۹۷/۱۴ میلیون دلار می‌شود که باید هزینه تأمین غذا یعنی ۳۲/۶۹ میلیون دلار را نیز به آن اضافه کرد. مجموع کمک‌های غذایی برای سه میلیون محتاج بالغ بر ۳۲۳/۵ میلیون دلار خواهد گردید.^(۱۳)

تصور می‌شود که سطور فوق توانسته باشد گستردگی برنامه بازگشت آوارگان افغانی به افغانستان و پیچیدگی برنامه‌های لازم برای این بازگشت را نشان داده باشد. با این وجود سؤال اساسی آن است که این بازگشت در چه زمانی آغاز خواهد شد. هنوز نکته‌های مبهم بسیاری وجود دارد که اجرای صحیح برنامه به روشن شدن آنها بستگی پیدا می‌کند. گرچه بعضی از آوارگان افغانی ساکن پاکستان و ایران ابراز تمایل کرده‌اند که در وحله اول این بازگشت شرکت نمایند ولی چگونه يك بازگشت دسته جمعی بزرگ بهنگامی که هنوز صلح حاکم نشده است امکان پذیر خواهد بود؟

برخلاف انتظار، حکومت کابل با خروج نیروهای روسی از پای درنیامد و همینطور استانهای جنوبی افغانستان نتوانست مأمین مناسبی برای اولین گروه از آوارگان بازگشتی باشد زیرا هنوز زرد و خورده‌های شدید در اطراف جلال آباد و سایر مراکز شهری این منطقه جریان دارد.

شاید بازگشت و اسکان آوارگان افغانی همانند آنچه که در صحنه بین‌المللی اتفاق افتاد محتاج يك تحول سیاسی در داخل باشد. بهرحال این تحول سیاسی هر چه باشد هیئت‌های «سلام» که به افغانستان اعزام شده‌اند همگی عقیده دارند که برای پیش‌بینی در زمینه بازگشت آوارگان هنوز خیلی زود است.

□ زیر نویس‌ها

1. THE Afghan Tragedy, a report by British Voluntary Agencies, published by the British Refugee Council, London, January 1988, P. 1
2. Ibid, P. 6
3. Refugees Magazine, Special Issue, December 1988, P. 12
4. Christensen, Hanne. Scott, Wolf. survey of the social and economic conditions of Afghan refugees in Pakistan, United Nations Institute for social development (UNRIBD), 1988, P. 2
5. Refugees, Special Issue, P. 12
6. First Consolidated Report, Office of the United Nations Co-ordinator for humanitarian and economic assistance programmes relating to Afghanistan, Geneva, September 1988, P. 1
7. the United Nations Office of the Co-ordinator for Afghanistan (UNOCA).
8. Agency Co-ordinating Body for Afghan Relief (ACBAR)
9. first consolidated report, P. 13
10. Ibid. P. 15
11. Billard, Annick. Afghanistan: Operation Salam, Refugee Magazine, No. 61, Feb. 1989. P. 11
12. Ibid, P. 12
13. Refugees, Special Issue, P. 28